

باز خوانش بنیادهای مفهومی "سرمایه اجتماعی" در متون دینی هادی فنائی^۱

چکیده

سرمایه اجتماعی ظرفیت‌ها و قابلیت‌های پیدا و پنهان جوامع بشری است که بستر شکل‌گیری آن متن جامعه است و با همکاری آحاد مردم تحقق می‌یابد. این سرمایه اختصاص به یک ملت خاصی ندارد و در میان تمام ملت‌ها و اقوام کم و بیش یافت می‌گردد. با توجه به این که سرمایه اجتماعی برخاسته از فرهنگ و دین هر ملتی است از این جهت به لحاظ کمی و کیفی وابسته به میزان ظرفیت، رشد، تعالی و بسط یافتگی است که در فرهنگ و دین آن ملت وجود دارد. امت اسلامی با بهرمندی از دین جامع و کامل و فرهنگ فاخر، می‌تواند بیشترین سرمایه اجتماعی را باز تولید نماید. قدرت و غنایی که در سرمایه اجتماعی برخاسته از فرهنگ و تمدن اسلامی است قابل مقایسه با گونه‌های دیگر از سرمایه‌های اجتماعی نیست. بخش مهمی از دینداری درگرو تعامل با دیگران رقم می‌خورد و سرمایه اجتماعی متاع این تعامل است. زیست مؤمنانه میدانی برای نمایش سرمایه اجتماعی در جامعه دینی است. اصول و مفاهیمی مانند اصالت نهاد خانواده، صلح ارحام، اخوت دینی، محبت، وحدت و اتحاد، شورا، تعاون و همکاری، انفاق، مرجعیت دینی، شعائر اسلامی نظیر نماز جمعه و جماعات، حج، عزاداری و مراثی اهل بیت(ع)، مجالس ترحیم و... تنها بخشی از سرمایه اجتماعی منتشر در جامعه اسلامی است که مدیریت صحیح آن می‌تواند جامعه را به سمت و سوی تعالی، سازندگی، توسعه، رفاه، دفع و رفع مشکلات فردی و جمعی سوق دهد. این مقاله با این پیش فرض که "می‌توان بنیادهای مفهومی سرمایه اجتماعی را از متون دینی اصطلاح کرد" در صدد باز خوانش متون دینی به منظور کشف اصول و مفاهیم بنیادی است که در بافت و ساخت سرمایه اجتماعی تأثیر گذار است.

کلید واژگان: مفاهیم بنیادی، سرمایه اجتماعی، متون دینی، جامعه اسلامی.

طرح مسأله

سرمایه اجتماعی از جمله مفاهیم نوپدید است که جایگاه طرح و بحث آن علوم اجتماعی و به طور اخص دانش جامعه‌شناسی است. بدون تردید این موضوع به صورت یک بحث مستقل و منسجم در متون دینی طرح نگردیده است. اما ریشه و نشانه‌ها و بنیادهای مفهومی این دانش را می‌توان از متون دینی استخراج نمود. گرچه لغت "سرمایه" بیشترین بسامد واژگانی اش در علم اقتصاد است ولی این واژه و مترادفاتش با قیودی مانند سرمایه معنوی، سرمایه انسانی، مالکیت معنوی، سرمایه اجتماعی، و... در علوم همچون فقه، حقوق، سیاست به ویژه جامعه‌شناسی قابل طرح است.

منظور از سرمایه اجتماعی صرفاً منابع مالی، مادی، ملی و عمومی نیست که متعلق به عموم افراد جامعه است و در متون دینی از آن به انفال، فیه و با اندکی تسامح بیت المال گفته می‌شود. بلکه منظور از آن ظرفیت‌های است که در جامعه اسلامی موجود است که با مدیریت صحیح آن می‌توان به توسعه، رفاه، عدالت اجتماعی و حل و فصل بسیاری از مشکلات فردی و اجتماعی پرداخت و فرد و جامعه را به گونه‌ای صحیح مدیریت نمود. غفلت از سرمایه اجتماعی و نادیده گرفتن ظرفیت‌های نهفته در آن، ارکان جامعه را دچار انحطاط و ایستایی می‌کند. سرمایه اجتماعی در واقع نوعی سرمایه معنوی است که همه ارکان جامعه متأثر از آن است و جنبه‌های نرم‌افزاری آن را تشکیل می‌دهد. این سرمایه در متن هویت جمعی شکل می‌گیرد ولی در ساماندهی فرد و جامعه مؤثر است. مهم‌ترین مؤلفه سرمایه اجتماعی هدف‌مندی و غایت‌محور بودن آن است. براین اساس

۱. استادیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره)؛ ایمیل: fanaei@isr.ikiu.ac.ir

کاربست سرمایه اجتماعی در هر جامعه ای صرف نظر از جنبه های نظری و معنوی آن که اغلب به سامان دهی و شکل دهی هسته های اجتماعی و آشکارگی ظرفیت های ناپیداست، ولی سرانجام به صورت طبیعی برون شد سرمایه اجتماعی تبدیل شدن آن به قدرت مالی و مادی است. بنیاد های مفهومی سرمایه اجتماعی که در متون دینی بدان تصریح شده علاوه بر جنبه های عرفی و اجتماعی اش، جنبه قدسی نیز دارد. از این جهت بسیاری از مصادیق سرمایه اجتماعی، باحفظ ارکان عرفی و بشری اش، مطلوب و مأموریه خداوند می گردد. سرمایه اجتماعی با چنین رویکردی در جامعه اسلامی ظرفیت فوق العاده ای می یابد و مشارکت مسلمانان برای سرمایه گذاری = سرمایه سازی، بر اساس آموزه های قرآنی " سابقوا و سارعوا " سرعت بیشتری می یابد. قرآن می فرماید: اولئک یسارعون فی الخیرات و هم لها سابقون (مؤمنون/۶۱)

اینها بندگان هستند که در کارهای خیر سرعت عمل دارند و از هم سبقت می گیرند (در کار خیر سریع وارد می شوند و در انجام آن از هم پیشی می گیرند).

در آیه دیگر می فرماید: فاستبقوا الخیرات (مائدہ/۴۸). شما مسلمانان در کار های خیر پیش قدم گردید (جلوتر از سایرین وارد عمل شوید). از نظر قرآن سستی، بی رغبتی، تأخیر و تسویف (امروز و فردا کردن) در کار های خیر و عام المنفعه، ممنوع و سرعت و سبقت در این امور لازم و ضروری است. اینک به شرح و بسط برخی از بنیاد های مفهومی سرمایه اجتماعی در متون دینی پرداخته می شود.

نهاد خانواده

در جامعه اسلامی اساس و بنیاد زندگی بر مبنای تشکیل خانواده است. از این جهت زندگی میدان آزمایش و بندگی خدا محسوب می گردد. هر کمال و پیشرفتی در چارچوب خانواده تحقق و معنا می یابد و خانواده تقدم رتبی بر تمام امور دیگر دارد. با این که تشکیل خانواده پذیرش مسؤلیت سنگین است و اداره آن نیاز به هزینه مالی و مادی دارد و به حسب ظاهر مصرف سرمایه است ولی در واقع تولید سرمایه است، از این جهت ازدواج و فرزند آوری موجب افزایش رزق و نشاط خانواده و جامعه است. اگر از این سرمایه اجتماعی به خوبی مراقبت به عمل نیاید جامعه با بحران کاهش جمعیت و انقراض نسل مواجه شده و اساس یک ملت دچار تزلزل می گردد. چه تهدیدی ترس آوارتر از هلاکت و زوال و انقراض یک ملت است؟ بنابراین بحران کاهش جمعیت یک چالش عظیم و فرزند آوری و نرخ بالایی جمعیت یک فرصت طلایی و سرمایه بزرگ اجتماعی است. جامعه فاقد جوان یک جامعه مندرس و فروپاشیده است. بدیهی است اگر جامعه ای از مدیریت کارآمد برخوردار باشد می تواند از این سرمایه اجتماعی بهره مند گردد.

تشکیل خانواده امری است که اختصاص به مسلمین ندارد. این امر در پنج قاره جهان رایج است. معمولاً تشکیل خانواده در جوامع غیر دینی نوعی معامله و قراردادی است که میان دو طرف معامله صورت می پذیرد. اما در ادیان الهی به ویژه در اسلام این معامله عرفی رنگ الهی دارد. انسان مسلمان با تشکیل خانواده در چارچوب شریعت ضمن بهرمندی از مزایای نکاح (استمتاع، التذاد، آرامش و...) خود را در مسیر بندگی خدا قرار می دهد. پیامبر اعظم (ص) در این باره می فرماید: ما بنی فی الاسلام بناء احب الی الله عز و جل و اعز من التزویح (شیخ صدوق: ۱۳۶۳، ۳، ۳۸۳). هیچ بنای در اسلام نزد خداوند محبوب تر و عزیز تر از ازدواج نیست.

از طرفی بر اساس آموزه های دینی هر کمالی در چارچوب خانواده تحقق می یابد از این رو جامعه دینی خانواده محور است. در اندیشه دینی خانواده سرمایه و ره توشه مسیر بندگی خداست. تشکیل خانواده در میان اهل بیت (ع) و فرزندان شان با همین رویکرد تحقق می یافت. آنها خانواده را نقشه راه زندگی برای تقرب به خداوند تلقی می کردند. پیامبر (ص) بعد از عروسی امیر المؤمنین (ع) با صدیقه طاهره (ع) به دیدن این زوج جوان رفت. سؤال کرد: یا علی (ع) همسرت را چگونه یافتی؟ عرض کرد: نعم العون علی طاعه الله (دشتی: ۱۳۷۵، ۲۳۲). خوب یار و یآوری برای اطاعت از خداست.

این خانواده اسوه کامل زندگی بشر است و نگاهشان به همه امور از جمله خانواده نگاه الهی است از این جهت نگرش امت مسلمان به مسأله خانواده نیز لازم است در همین راستا شکل گیرد.

بدون شک خانواده یکی از ارکان مهم جامعه است که از چیدمان و اجتماع آن جامعه پدید می آید. اگر خانواده بر اساس آموزه های دینی شکل بگیرد، منجر به سعادت جامعه خواهد گردید. در واقع جامعه سالم در گرو خانواده سالم است. بر این اساس خانواده سالم سرمایه ای است که از انباشت این سرمایه خرد سرمایه کلان پدید می آید. هر خانواده ای بخشی از سرمایه اجتماعی است که می توان از این ظرفیت برای سلامت معنوی جامعه بهره مند گردید. هر مقدار برای حفظ و سلامت این سرمایه اجتماعی هزینه گردد، سود و منفعت آن در کمتر زمان ممکن به جامعه باز می گردد. غفلت از این سرمایه اجتماعی نیز موجب انحطاط جامعه می شود. مدیران و برنامه نویسان جمهوری اسلامی در مرحله قانونگذاری و اجرا لازم است به این سرمایه توجه کافی داشته باشند. زیرا بدون التفات به این نهاد مقدس، تربیت و پرورش افراد جامعه امکان پذیر نخواهد بود. به همین سبب برای صیانت و مراقبت جامعه از هر نوع آسیبی لازم است به تحکیم اعضای خانواده همت بیشتری نمود. در غیر این صورت لازم است برای جلوگیری از فروپاشی جامعه و اختلال نظام اجتماعی به رویکرد پلیس محوری و نظامی گری خشن روی آورد. چنین نگرشی به جامعه و فرد تناسبی با کرامت

انسانی ندارد. از این رو نگرش خانواده محوری، سرمایه مهم اجتماعی است که سویه‌هایی عرفی و الهی اش بسیار برجسته و پررنگ و روشن است؛ علاوه بر منافع بی شمار فردی و اجتماعی اش از ظرفیت های نهفته در آن نیز می توان برای حفظ و سلامت جامعه بهره برداری نمود.

مرجعیت و زعامت دینی

در عصر غیبت امام عصر(ع) لازم است عموم مردم در احکام شرعی از مجتهد جامع الشرایط = مرجع تقلید پیروی کنند. در برخی موارد مرجعیت دینی با زعامت سیاسی همراه می گردد. در چنین وضعی مجتهد جامع الشرایط به عنوان نایب امام عصر (ع) عهده دار کارهای دینی، سیاسی و اجتماعی است. با توجه به این که چنین شخصی برخوردار از دانش و معنویت است از این جهت در دل های مرد نفوذ دارد و پشتوانه و حامی قدرتمند شیعیان در جامعه محسوب می گردد. از این جهت مرجعیت دینی سرمایه اجتماعی شیعیان است.

مرجعیت دینی زمینه بسیج جامعه را بدون صرف هزینه گزاف فراهم می کند و بن بست ها و گره های اجتماعی را می گشاید. فتوای تحریم تنباکو، میرزای شیرازی در عصر ناصر الدین شاه و تأثیر این فتوا در اوضاع سیاسی ایران آن روزگار بر کسی پوشیده نیست. (مدنی: ۱۳۹۱، ج ۱، ۷۴). مرجعیت و زعامت سیاسی امام خمینی(ره) و میزان تأثیر آن در جهان معاصر قابل مقایسه با هیچ قدرتی در جهان نیست. این سرمایه عظیم اجتماعی باعث شد که با رهبری و هدایت ایشان واقعه بزرگ انقلاب اسلامی در ایران رخ دهد. ثمره این انقلاب علاوه بر اندازی نظام سلطنتی ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، تأسیس جمهوری اسلامی در ایران است. مردم با حمایت و هدایت همین سرمایه اجتماعی پای استعمار خارجی را قطع و ریشه استبداد و خودکامگی را در این سرزمین خشک نمودند. نقش مرجعیت و زعامت دینی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در جنگ تحمیلی = دفاع مقدس بسیار برجسته بود. توده های مردم با سخنرانی امام خمینی(ره) عازم جبهه ها می شدند و با کمترین امکانات در مقابل رژیم بعثی که از حمایت دولت های شرق و غرب و مرتجعین منطقه برخوردار بود، ایستادند و از کشور و نظام جمهوری اسلامی دفاع کردند. این سرمایه اجتماعی بعد از رحلت امام خمینی(ره) با زعامت دینی و سیاسی حضرت آیه الله خامنه ای با همان قدرت استمرار پیدا کرده است.

حضور آیه الله سیستانی در عراق نیز سرمایه اجتماعی بزرگی است که خدمات و حسنات این سرمایه معنوی در بسیج ملت عراق برای مقابله با داعش و حل و فصل سایر گرفتاری مردم عراق ستودنی است.

اخوت، مؤاخات = آیین برادری دینی

در تمام جوامع بشری برادری صرفاً بر محور ارتباط نسبی صورت می گیرد. معروف است که الاخوه فی نسب. در بینش توحیدی جامعه بشری با همه تفاوت های نژادی و اقلیمی خاستگاه واحدی دارد، بسان شاخ و برگ های یک درخت بزرگ محسوب می گردند. براین اساس لازم است، اندیشه اخوت دینی را در خویشتن خویش باز تولید کنند. و این حقیقت را نه در ذهن بلکه در جان خود احساس کنند که باهم برادرند. انما المؤمنون اخوه (حجرات/ ۱۰) مؤمنان باهم برادرند.

باورمندی به این آیه که ارتباط مسلمانان تنها در سایه اخوت پایدار و مستحکم دوام می یابد، رمز زندگی سعادتمندان اجتماعی مسلمانان است. این مطلب با ادات حصری که بر آیه وارد آمده (آیه مصدر به انماست) نگاه انحصاری به ارتباط برادرانه مسلمانان می نماید. مفادش این است که ارتباطات دیگر نظیر ارتباط نژادی، قومی، قبیله ای، صنفی و... ارتباطی نیست که بتواند ملتی را نسبت به هم مسؤول سازد تا برای کمک و نجات هم از هیچ تلاشی دریغ نکنند. چنین نگرشی به اخوت دینی باعث می شود که فضایی ایجاد گردد که در آن فضا تمام دشمنی ها، نفرت ها، تبعیض ها، حق کشی ها، بیدالتی ها کنار گذاشته شود و همه مردم در یک فضای برادرانه و آرام و به دور از هر تنش فردی و اجتماعی به حل و فصل امور زندگی بپردازند. الگوی چنین معیشتی سیره پیامبر اعظم است. پیامبر(ص) با چنین رویکرد الهی در اندک زمانی توانست اخوت دینی را در سرزمین پر تنش جزیره العرب پیاده سازد.

گروه مسأله مواخات به صورت جمعی در یثرب شکل گرفت ولی پیامبر(ص) از همان سال های آغازین بعثت در مکه میان عده ای از مسلمانان پیمان برادری ایجاد کرد و خود نیز به این وظیفه در یوم الانذار عمل نمود. او دعوتش را بر پایه توحید و برادری نهاد و علی(ع) را پس از پذیرش دعوتش برادر خویش خواند. برای نخستین بار واژه اخوت با این خوانش الهی از پیامبر(ص) صادر گردید. ان هذا اخی و وصیی و خلیفتی علیکم (سبحانی: ۱۳۶۴، ۲۵۹).

مسأله مؤاخات و برادری دینی در اسلام صرفاً یک شعار سطحی برای رسیدن به اهداف سیاسی و اجتماعی و کسب قدرت و موقعیت نیست. برادری دینی یک حقیقتی است که سعادت فرد و جامعه اسلامی به آن گره خورده است. لایه های عمیق و زیرین این مسأله در قرآن به اختصار و در کلام پیامبر(ص) به تفصیل آمده است. در متون روایی از زبان پیامبر(ص) پیرامون پیمان مؤاخات و حقوق برادری احادیثی نقل گردیده که آن را می توان به عنوان منشور اخوت دینی در جامعه اسلامی بر شمرد. در این منشور برادری بیش از سی حق و تکلیف ذکر شده است که ناظر به وظایف و تکالیف زندگی اجتماعی است. فرازی از این منشور چنین است: المسلم احوالمسلم لایظلمه ولا یخذله و لایسلمه (مجلسی: ۱۳۷۹، ۷۴، ۲۳۶). مسلمان برادر مسلمان است. هرگز بر او ستم نمی کند و او را خوار نمی سازد و در مقابل حوادث روزگار تنها و تسلیم نمی سازد.

پایبندی به همین سه اصل کافی است که جامعه اسلامی را به سمت سوی یک جامعه سالم و بانشاط و با امنیت و متعالی سوق دهد. چه سرمایه اجتماعی بهتر از این سرمایه = برادری آزار و اذیت و... نباشد؛ جامعه بهشت گونه است که در آن اثری از کار لغو بیپوده نیست؛ لایسمون فیها لغوآولا کذاباً (نبا/۳۵). هرگز در بهشت سخنان لغو و دروغ نمی شنوند.

آیا در این جهان تأسیس جامعه ای که فاقد تزویر، تقلب، دروغ و... باشد، امکان پذیر است؟

بدون شک تأسیس جامعه ای که هیچ گونه تزویر، تقلب و دروغ در آن نباشد بسیار دشوار است و شاید در عصر غیبت امکان نداشته باشد، چون در این جهان ظرفیت ها محدود و خواستنی های مردم نا محدود است. از این رو تا مردم تربیت نشوند همواره برای جلب منافع بیشتر باهم نزاع خواهند کرد. توجه دادن مردم به تعالیم دینی از جمله اصل " اخوت دینی " به عنوان یک سرمایه اجتماعی می تواند ضریب اختلافات میان مردم را بسیار کاهش دهد. چنانچه مردم همدیگر برادر بدانند به جای تنازع به تفاهم و تعامل روی می آورند. اگر اساس زندگی اجتماعی بر مبنای تعامل و تفاهم باشد در چنین جامعه ارزش های انسانی رشد کرده و به تدریج

احساس برادری نسبت به همه مردم در دل و جان انسان های خدا باور ریشه می دواند، آنگاه با کم شدن فاصله ها همه مردم یکدیگر را برادر خویش می بینند. در این هنگام در سایه ایمان به خدا و اخوت دینی، انتظاری هرکار نیکی از هم دارند و هیچ کار تلخ و نا خوشایندی از آنان نسبت به هم سر نمی زند. امیر المؤمنین(ع) در این باره می فرماید:

الخیر منه مأمول و الشر منه مأمون (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳) مردم به خیر مؤمن امید وارند(انتظار هر خبری از او می رود) و از هر نوع شری از ناحیه او در امانند.

اگر چنین رویکردی در جامعه اسلامی به فرهنگی عمومی تبدیل شود، در این صورت زندگی در چنین جامعه ای شرافتمندانه و شریین خواهد شد.

آیات و احادیث بسیاری به موضوع برادری دینی پرداخته و آن را به عنوان یکی از مهم ترین علل توسعه، اتحاد و انسجام امت اسلامی و مبارزه با هرگونه تفرقه و نفاق اختلاف و شکاف های طبقاتی می داند. از نظر قرآن بهترین راه برای دستیابی به وحدت و انسجام اجتماعی وحدتی است که بر اساس برادری دینی شکل گیرد. چنین وحدتی که بن مایه اش اخوت دینی است نعمت بس عظیم است که جامعه مسلمانی را از گسست و پراکندگی، وحشت و تنهایی، اختلافات قومی، نژادی و برتری طلبی هایی نجات می دهد و مفهوم برادری را از ساختار انحصاری نسلی و نسبی خارج ساخته و از منظر بالاتری به آن می نگرد تا تمام سطوح انسانی را مشتمل گردد. قرآن مهم ترین حسنات و ثمرات اخوت دینی را الفت و مهربانی میان مردم می داند: و اذکروا نعمت الله علیکم اذ کنتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخواناً (آل عمران / ۱۰۳) یاد بیاورید که همه با هم دشمن بودید و خدا در دل های شما الفت و مهربانی انداخت و به لطف خدا همه برادر دینی همه شدید.

به نظر می رسد در میان هیچ ملتی به جز مسلمانان، ارتباط آدمیان بر مبنای اخوت و برادری شکل نگرفته باشد. اخوت نوعی ارتباط عاطفی است که بن مایه های آن محبت و دگر دوستی و ثمره آن وحدت و اتحاد است. مبانی اندیشه اخوت دینی معارف وحیانی است که بینش اخوانی و آیین برادری دینی را به صورت یک معاهده و پیمان اجتماعی طرح نموده و با این سرمایه اجتماعی شکاف ها و تنش های عمیق میان اعراب تند مزاج را به وحدت و برادری تبدیل نمود.

پیامبر اعظم (ص) با همین سرمایه اجتماعی معیار های نژادی و قومی که باعث تفاخر و تضاد اجتماعی بود را طرد و برادر دینی را جایگزین آن نمود. تمام فاصله های طبقاتی و شکاف های اجتماعی که میان برده سیاه حبشی و سید قریشی بود از میان برداشت و از مردم یثرب، انصار ساخت. اساس زندگی در جهان جدید بر مبنای فردیت و خود خواهی است. از این رو برخی برای پرکردن خلاء عاطفی خود گرایش و تمایل به حیوانات پیدا کرده اند زیرا قدرت تعامل با دیگران را ندارند. انگاره اخوت و برادری در اسلام عامل پیوند انسان ها بر اساس محبت و دگر دوستی است. پیامبر(ص) برای نشر و بسط اسلام از یک طرف و هم چنین تأسیس تمدن اسلامی نخست پیمان مؤاخات را میان مردم برقرار ساخت. چنین پیمانی ضمن جلوگیری از وقوع هر نوع جنگ و فتنه ای میان مردم مدینه، ارتباط مهاجر و انصار را نیز مستحکم ساخت. از این جهت پیمان اخوت در صدر اسلام تبدیل به یک سرمایه اجتماعی عظیمی گردید و پیامبر(ص) با این سرمایه اجتماعی به نشر و گسترش اسلام در سرتاسر جزیره العرب، ساخت مسجد، تأسیس حکومت و فتح مکه نایل آمد.

امروزه لازم است، جهان اسلام به ویژه جمهوری اسلامی از این سرمایه اجتماعی برای تأسیس تمدن نوین اسلامی، دفع و رفع اختلاف میان پیروان مذاهب اسلامی، بازسازی و ترمیم ساختار امت واحد اسلامی و دعوت و گسترش اسلام در سطح جهانی استفاده کند.

تعاون و همکاری جمعی

زندگی اجتماعی بدون مشارکت و همکاری مردم با یک دیگر امکان پذیر نیست، زیرا هر انسانی به تنهایی قادر نیست تمام نیازهای زندگی خود را تأمین نماید از این جهت گفته می شود انسان مدنی بالطبعی است. این سطح از مشارکت در میان همه افراد در پنج قاره کره زمین خواسته یا نخواستہ وجود دارد. زیرا اساس زندگی جمعی منوط به مشارکت و همکاری است.

این نوع مشارکت و همکاری شرط لازم زندگی اجتماعی است نه شرط کافی. سطح دیگری از مشارکت و همکاری است که شریعت بدان توصیه می کند. قرآن کریم می فرماید:

تعاونوا علی البر و التقوی و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان (ماید / ۲) بر نیکو کاری و تقوی با هم یاری کنید نه بر گناه و دشمنی. براساس این آیه هر کاری نیک و خیری که تحقق و انجام آن نیاز به همکاری مردم با یک دیگر داشته باشد، مطلوب خداست. از این رو خداوند دستور می دهد که مردم در این کار مشارکت نمایند. همانگونه که نهی می کند از مشارکت و همکاری در اموری که معصیت و دشمنی و عداوت است.

تعاون و همکاری مردم مسلمان در کارهای خیر یکی از مهمترین سرمایه های اجتماعی است که به جامعه اسلامی مخصوصاً در برابر حوادث سخت و ناگوار مانند سیل و زلزله و آتش سوزی و جنگ، پرداخت دیون بدهکاران و... کمک می کند. کارهای نیک منحصر در این امور نیست. زیرا عنوان "البر" اطلاق دارد و مشتمل بر همه کارهای نیک می شود از این جهت با توجه به این اصل (تعاون و مشارکت) لازم است جامعه اسلامی تمام امکانات مادی و معنوی خود را برای حل و فصل مشکلات مردم بسیج نماید. مدیریت صحیح این سرمایه اجتماعی (همکاری و مشارکت) گامی بزرگی در دفع و رفع حادثه ناگواری است که معمولاً برای مردم پیش می آید، علاوه بر آن در کاهش آلام و بسط شادی نشاط مردم نقش اساسی دارد.

شورا و مشورت

آدمی به گونه ای است که هر قدر عاقل و دانشمند باشد نیاز به همفکری و مشورت با دیگران دارد. در متون دینی توصیه شده که انسان همواره خود را از مشورت با دیگران بهره مند سازد. بدون شک شورا، مشورت و استشاره سرمایه اجتماعی گرانبهای است که ثمرات و حسنات آن هم در زندگی شخصی و هم در زندگی اجتماعی نقش بی بدیلی ایفا می کند. شرکت در اموال مردم به راحتی میسر نیست. معمولاً مردم همدیگر را در اموال خود شریک نمی کنند ولی استشاره و مشورت راهیست تا آدمیان در عقل یکدیگر شریک گردند. مشورت با مردم موجب می شود که به آسانی بدون صرف هزینه ای راهی به گنجینه عقل دیگران باز شود. علی (ع) می فرماید:

من شاور الرجال شارکها فی عقولها (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۱).

هر کس با دیگران مشورت کرد با عقل های آنان شریک شد.

قرآن کریم اساس زندگی فردی و اجتماعی را مبتنی بر اصل شوار نموده است.

و امرهم شوری بینهم (شوری / ۳۸) و کارشان را به مشورت هم انجام می دهند.

بیان این آیه بگونه ای است، گویا هیچ کاری نباید خارج از چار چوب مشورت صورت پذیرد. با این که پیامبر اعظم (ص) اعقل الناس است لیکن در مسایل اجتماعی کارها را از طریق مشورت با اصحابش پیش می برد. با این شیوه می خواست به مردم یاد بدهد که از این سرمایه اجتماعی رایگان بهره مند شوند. خرد جمعی برون شد و محصول مشورت جمعی است. هر جامعه ای که خود را از این سرمایه محروم کند دچار انحطاط، رکود، عقب ماندگی و شکست خواهد شد. عمده ترین مشکل جهان اسلام در اداره جامعه بی اعتنایی به شورا و خرد جمعی است. به همین دلیل از دیر باز تاکنون استبداد سر نوشت محتوم مردم مسلمان شده است. علت عقب ماندگی و انحطاط جهان اسلام این است که حاکمان با مشورت مردم انتخاب نمی شوند و اداره جامعه براساس اصل شورا نیست. از طرفی استبداد، تحجر و عقب ماندگی همسایه دیوار به دیوار هم اند. استبداد و خودکامگی و کنار گذاشتن اصل شورا بستری است برای ورود همه پلشتی ها وسیه روزی ها.

مردم سالاری دینی یکی از ثمرات شوار و مشورت است. نادیده گرفتن این سرمایه اجتماعی در جهان اسلام موجب شده که کشورهای اسلامی دچار استبداد درونی و استعمار خارجی گردد و به دنبال آن وابستگی و عقب ماندگی، تحجر و خشک اندیشی پدیده غالب در این کشورها باشد.

صله ارحام

این اصل نیز یکی از مهم ترین سرمایه های اجتماعی معنوی است که به استحکام و پیوند یک نسل کمک شایانی کرده و به زندگی آنها نشاط می دهد. ارتباط خویشاوندی و صله ارحام یک تکلیف الهی و از پشتوانه امر الهی برخوردار است و در نقطه مقابل قاطع رحم در سه آیه قرآن ملعون خوانده شده است. (بقره / ۲۷، رد / ۲۵ و محمد / ۲۲). امام زین العابدین (ع) به فرزندش فرمود: ایاک و مصاحبه القاطع لرحمه فانی وجدته ملعوناً فی کتاب الله عز وجل فی ثلاث مواضع: فهل عسیتم و تقطعوا ارحامکم (کلینی: ۱۳۶۵، ج ۲، ۶۴۱). پرهیز کن از قاطع رحم زیرا من در سه آیه قرآن یافتم که قاطع رحم ملعون است. آنگاه آیات را تلاوت نمود.

صله ارحام، از جمله آداب دینی است که اگر به درستی انجام شود، احساس تنهایی، غربت، انزوا، گوشه‌گیری و فردگرایی را که آفت جوامع بشری است به کلی می‌زداید و زمینه ساز شکل‌گیری جامعه براساس محبت و مودت می‌گردد. گرچه ممکن است در بدایت امر گمان شود این سرمایه اجتماعی بیشتر امر معنوی است لیکن نتایج و پیامدها مادی فراوانی به بار می‌آورد. دیدارها، گپ و گفت‌ها، دلجویی‌های که در این ارتباط نسلی تحقق می‌یابد نوعی روان‌درمانی و گفتار درمانی است که افراد جامعه به شدت به آن نیاز دارد. سلامت معنوی در رأس منافعی است که با این ارتباطات نصیب افراد می‌گردد، ضمن این که ممکن است زمینه شکل‌گیری ازدواج فرزندان و رونق کسب و کار و داد و ستد نیز بشود.

مجالس ترحیم

این مجالس یکی از سرمایه‌های اجتماعی است که اگر به صورت صحیح برگزار و مدیریت گردد موجب می‌شود که غبار غم و غصه از چهره صاحبان عزا زدوده شود و تحمل داغ عزیز از دست رفته برای شان آسان گردد. مردم با احساس همدردی و دعوت به صبوری و تسلیم شدن و راضی به قضای الهی بودن، به صاحبان عزا کمک می‌کنند تا از آلام آنها کاسته گردد و آنها را برای ادامه زندگی شان امیدوار سازند. با توجه به این که این مجالس، مجالس عبرت و موعظه است برای هر شرکت کننده‌ای نیز مفید است و او را مرگ اندیش و مرگ‌باور می‌کند. در این مجالس توجهش به مرگ بیشتر می‌شود. به قول پروین اعتصامی:

هر که باشی و به هرجا برسی / آخرین منزل هستی این است (اعتصامی: ۱۳۷۷، ۲۸۹).

هیچ عاملی به اندازه یاد مرگ نمی‌تواند درس آموز باشد. شرکت در تشیع جنازه و تجهیز میت و حضور در مجالس ترحیم باعث می‌شود غرور، تکبر، گردن‌کشی بشر که عامل بسیاری از جرایم و جنایات است، کاسته شود. پیامبر(ص) می‌فرماید: کفی با الموت واعظا (مجلسی: ۱۳۷۹، ۷۴، ۱۳۹). آموزه‌های کتاب و سنت در باره مواجهه جامعه مسلمان با کسانی که داغ دیده و عزا دارند بسیار کارساز و راهگشاست. فقها فتوا داده‌اند که تا چند روز به صاحبان عزا اجازه ندهند که از آشپزخانه شان دودی بلند گردد و از منزل برای آنان غذا ببرند. یا به آنها را به منزلشان دعوت کنند و در چنین روزهای سخت صاحبان عزا را تنها نگذارند. زیرا آنان در شرایط روحی مناسبی نیستند که بتوانند آشپزی و یا مهمان‌داری کنند. رعایت این توصیه‌های شریعت و التزام جمعی به این اصول مترقی اسلام در سلامت معنوی جامعه بسیار موثر است. غفلت از آن یا بدعت و نوآوری‌های خارج از شریعت و عرف نیز می‌تواند خسارت جبران‌ناپذیر ببار آورد. متأسفانه در کشور ما این مجالس سویه‌های دیگری پیدا کرده است. به جای بهره‌گیری از جنبه‌های مثبت آن بستری برای تملق، تبرج، اسراف، ریا و... شده است.

انفاق، احسان و ایثار

بیشترین بسماد واژگانی در قرآن و احادیث معصومین(ع) مربوط به انفاق، احسان و صدقات است. هر جا سخن از ایمان و عبادت است در کنار آن توصیه به انفاق است. انفاق سرمایه اجتماعی است که وجه سرمایه بودنش بسیار روشن است. زندگی بخش‌های از مردم با انفاق و صدقات اداره می‌گردد. در تمام جوامع بشری از جمله جهان اسلام همواره نیاز مندانی هستند که زندگی آنها بدون انفاق دولت و ملت اداره نخواهد شد. اصولاً قرآن کریم برای فقرا در اموال اغنیا حق قایل شده است.

الذین فی اموالهم حق معلوم للسائل والمحروم (ذاریات/ ۱۹). کسانی که در اموالشان برای سائل و محروم حقی است.

در اسلام هیچ کس از انفاق مال معاف نیست. در احادیث معصومین(ع) یکی از نشانه‌های مؤمن انفاق کردن و صدقه دادن به هنگام تنگ دستی است. این نوع صدقه در متون دینی از افضل صدقات به حساب آمد است. از امام سؤال کردند کدام صدقه افضل است؟ حضرت فرمود: افضل الصدقه جهد المقل (محمدری شهری: ۱۴۰۵، ق ۵، ج ۳۲۶) برترین صدقه آن است که در حال تنگ دستی و نیازمندی داده شود.

در اسلام خودداری کردن از انفاق معصیتی است که عقوبت سخت به دنبال دارد. این آیه از قرآن دلیل جهمی شدن برخی را اطمینان نکرده مساکین می‌داند.

ولا یحض علی طعام المسکین (حاقه/ ۳۴) مسکینی را بر سفره خود دعوت نکرده است.

مهمترین کارکرد انفاق، صدقات، زکات و واجبات مالی علاوه بر تأمین نیازهای فقرا، ترک وابستگی به اموال است. شخصی که انفاق می‌کند به تدریج محبت و وابستگی اش به اموال کم می‌شود. ترک وابستگی به مال اساس تزکیه، تربیت و رشد است. این نوع نگرش به انفاق موجب می‌شود که در جامعه اسلامی فقر از بیخ و بن ریشه کن گردد. انفاق و احسان علاوه بر جنبه عبادی اش ریشه در نوع دوستی و دگرخواهی دارد. ظرفیت این سرمایه اجتماعی بسیار زیاد است. در برخی موارد منجر به ایثار اجتماعی می‌گردد. مهم‌ترین آفت این سرمایه اجتماعی ریا و منت‌گذاری است که تمام آثار معنوی اش را از بین می‌برد.

یا ایها الذین آمنوا لا تبطلوا صدقاتکم بالمن والادی (بقره/ ۲۶۴) ای کسانی که ایمان آوردید صدقات خود را با منت‌گذاری و آزارتبه نکنید. در سنت و سیره اهل بیت صحنه‌های از انفاق، احسان و ایثار است که بسیار شگفت‌آور است. گرچه ممکن است به لحاظ کمی چشمگیر نباشد ولی در کیفیت آن همین بس که خداوند از آن انفاق سخن می‌گوید. علی(ع) به هنگام نماز در حالت رکوع نیز از تهیدستان غافل نشد.

یوتون الزکوه و هم را کعون (ماید/ ۵۵)

ولی شما همان کسی است که در حال رکوع زکات می دهد.
 اهلیت(ع) در حالیکه روز بودند افطار خود را به مستمندان بخشیدند.
 یطعمون علی حبه مسکیناً و یتماً و اسیراً(انسان/ ۸) به سبب محبت و دوستی خداوند به مسکین و یتیم و اسیر اطعام می کنند.
 اگر انفاق و احسان سنت همگانی مسلمانان گردد، تبدیل به سرمایه اجتماعی بزرگی می شود که نه تنها فقرای جهان اسلام را تأمین می کند بلکه ریشه فقر را در جهان از بین می برد و در سطح کره زمین فقیر باقی نخواهد ماند.

وقف

وقف املاک و داری و برنامه ریزی صحیح انباشت و نگهداری آن باعث ایجاد سرمایه اجتماعی می گردد. اهمیت سنت وقف در شریعت به اندازه ای است که در دانش فقه یک کتاب فقهی به آن اختصاص یافته و مقررات، قوانین و احکام آن به تفصیل بیان شده است. وقف در دانش فقه عبارت است از: تحبیس الاصل و اطلاق المنفعه(مکی العاملی، ۱۴۰۳، ج ۳، ۱۶۳). با حفظ عین مال منفعت آن را به مردم واگذر نمودن. یعنی سرمایه و ملکی به عنوان وقف اختصاص یابد تا با حفظ این سرمایه از منفعت آن استفاده گردد. اسلام به مؤمنین توصیه می کند تا بخشی از املاک خود را وقف نمایند. وقف املاک برای امور خیر علاوه بر این که نوعی احسان و انفاق محسوب می گردد، موجب می شود تا جامعه اسلامی از این سرمایه اجتماعی منتفع گردد. امانت داری و مدیریت صحیح اموال موقوفه موجب می شود تا مردم بخشی از املاک خود را وقف نمایند. عدم نظارت کافی بر حفظ و هزینه املاک موقوفه باعث می شود که صاحبان سرمایه و املاک رغبتی برای وقف پیدا نکنند. از این جهت لازم است مسئولین اوقاف بکوشند تا همواره چشمه وقف بجوشد و این سرمایه اجتماعی دائماً جریان یابد.

عبادات جمعی

اقامة نماز جمعه و جماعت هم چنین آیین حج از جمله عباداتی است که با حفظ جنبه عبادات منافع بی شمار دارد. زیرا در این نوع عبادت زمینه ارتباط و اتحاد مسلمانان فراهم می گردد. در این گونه اجتماعات مردم از اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... همدیگر باخبر می گردند و چنانچه مشکلاتی باشد تلاش خواهند کرد که با کمک هم آنرا حل نمایند.
 اصولاً عبادت در اسلام به گونه ای است که ارتباط با خدا همراه با ارتباط و خدمت به مردم است. به این معنا که انسان عابد نمی تواند نسبت به امور مردم بی تفاوت باشد.

عبادت به جز خدمت خلق نیست به تسبیح و سجاده و دلچ نیست
 عبادت فقط در اوراد و اذکار خلاصه نمی شود. همانگونه که مسلمان در دل شب نافله می گزارد و با معشوقش در خلوت و تنهای نجوا می کند، در عبادات جمعی اش از حال مسلمین غافل نمی گردد.
 عبادت جمعی علاوه بر این که راه و رسم بندگی و خود سازی است لیکن فرصتی برای فرد و جامعه فراهم می سازد تا همه ظرفیت هایش را کنار هم قرار داده و تبدیل به سرمایه اجتماعی نماید و این سرمایه را در خدمت مردم و برای توسعه و رفاه و آسایش بندگان خدا بکار گیرد.
 آموزه های دینی در آیین ها و شعایر به گونه ای است که با حفظ جنبه های عبادی اش آن را به سمت و سوی سرمایه اجتماعی سوق می دهد.

آیین های دینی همانند حج، اعتکاف، احیای مراسم شب قدر، زیارت مزار معصومین(ع) و بقاع متبرکه علاوه بر بعد معنوی و تعالی شخصی دارای کارکرد اجتماعی است.

سفرهای زیارتی در صورت برنامه ریزی و مدیریت صحیح گاهی تولد دوباره برای زائر است. این سفرها باعث رونق اقتصادی مسلمانان می شود. این سفرها می تواند زمینه گفت گوی عالمانه میان ارباب مذاهب را فراهم نماید و به تبع گفت گو موجب وحدت و اتحاد مسلمین گردد.
 متأسفانه در جهان اسلام استفاده مطلوب از ابعاد اجتماعی عبادات جمعی نمی شود و این عبادات در عین حال که به صورت جمعی انجام می شود ولی کارکرد اجتماعی ندارد.

انصافاً حج ابراهیمی سرمایه اجتماعی بزرگی است که آل سعود مانع برگزاری صحیح آن می گردد و در واقع این سرمایه را به نفع استکبار جهانی مصادره کرده است.

آیین قربانی در سرزمین منا نماد کشتن نفس اماره است از طرفی یک سرمایه اجتماعی و اقتصادی است. آل سعود میلیون ها رأس قربانی را در مکه امحا می کند و حاضر نیست این سرمایه میان مسلمانان فقیر دنیا توزیع گردد.

عزاداری و مراثی اهل بیت(ع)

عزاداری و مراثی اهلیت(ع) علاوه بر جنبه های حزن انگیزی اش، مهم ترین پیامش ستم ستیزی است. شاعران آیینی همواره تلاش کرده اند تا حماسه کربلا را روز آمد نموده و از آن سلاحی آتشین ساخته تادر پیکار با خصم از آن بهره گیرند و شیعیان همواره در مواجهه با ستمگران از

حماسه عاشورا کمک گرفته اند. شعار یا حسین (ع) دو خاصیت عجیب دارد، شیعه را در برابر دشمن دلیر می کند و ترس و خوف را به دل دشمنش می اندازد. در تمام نهضت های که بعد از سال ۶۱ ه.ق در جهان اسلام صورت گرفته از کربلا و عاشورا بهره برداری شده است به گونه ای که شعار "هیبهات منا الذله" سید الشهدا شعار هرمجاهدی در برابر مستبدان و ستمگران و زمامداران خودسر بوده است. هر جا نیاز به کمک و یاری مردم بود شعار "یا لثارات الحسین" سر داده می شد. در نیم قرن اخیر ملت مسلمان ایران از این سرمایه اجتماعی در انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و دفاع از حرم و دفع دواغش بهره فراوانی برده است. امام خمینی (ره) معتقد است که محرم و صفر اسلام را زنده نگه داشته است. اقامه عزا برای اهل بیت(ع) صرفاً یک عمل احساسی محسوب نمی شود بلکه یک سرمایه اجتماعی عظیمی است که در تنگناها به یاری شیعیان مجاهد می آید. هیئات حسینی، موکب ها، تکایا، حسینیه های سرمایه های اجتماعی و معنوی شیعیان است که با هدایت و حمایت از آن می توان بر مشکلات و حوادث تلخ فایق آمد. ظرفیت این سرمایه اجتماعی بسیار زیاد است از این رو همواره عده ای تلاش کرده و می کنند که این سرمایه را تلف نمایند. قتل عام عزاداران در کشمیر، هند، پاکستان، افغانستان، آفریقا، حجاز و ... تنها بخشی از جنایاتی است که دشمن برای ائتلاف این سرمایه اجتماعی بکار می گیرد.

نفی سلطه اجانب

نفی سلطه اجانب از اصول بنیادی در روابط بین المللی مسلمانان محسوب می گردد. بیشترین کارکرد این اصل در ارتباط مسلمین با قدرت های استعماری و در مواجهه با آنها و ساماندهی سیاست خارجی است. این امر راه را بر هر نوع تسلط قیم مآبانه و سلطه گری و سلطه پذیری سد می نماید. شریعت نه اجازه می دهد که دول استعماری هر نوع معاهده و قراردادی که عزت، شرف و کرامت امت اسلامی را خدشه دار کند را بر دولت و کشور مسلمان تحمیل کند و نه به دستگاه وزارت خارجه اش اجازه می دهد که چنین معاهدات و قرار داد ها را بپذیرد. استقلال سیاسی با نفی سلطه کفار و مشرکین تحقق می یابد. ملتی که نتواند سلطه کفار و اجانب را دفع کند مالک چیزی محسوب نمی شود. در فقه سیاسی اسلام پذیرش حاکمیت و سلطه اجانب منع شده است.

و لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلاً (نسا/ ۱۴۱).

خداوند هیچ گاه برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلط باز نخواهد نمود. این آیه دلالت بر نفی سبیل و سلطه کفار بر مسلمانان می کند و مبنای ارتباط و سیاست خارجی مسلمین است. این اصل از مفاهیم بنیادی سرمایه اجتماعی است، گرچه حاکمان جهان اسلام به علت وابسته بودن به کفار آن را نادیده گرفته اند و تن به بردگی دولتی داده و خود را را برده و بنده دول استعماری نموده اند. نه تنها از این سرمایه اجتماعی سودی نمی برند بلکه راه استعمار گران را برای غارت منابع و منافع ملت مسلمان هموار می کنند. البته معنای این سخن قطع ارتباط با غیر مسلمانان نیست. کسانی که با مسلمین جنگ ندارند و منافع و مصالح ملت مسلمان را رعایت کنند، پایبند به معاهدات باشند، ارتباط علمی، تجاری و داد و ستد با آنان مانعی ندارد.

اصل نفی پذیرش حاکمیت جائر(حکومت غیر مأذون)

بر اساس فقه سیاسی اسلام حق حاکمیت بر جامعه اسلامی و مسلمین فقط اختصاص به معصوم (ع) و یا مأذون از ناحیه معصوم دارد. از این رو حکومت مشروع بر دو قسم است حکومت معصوم و حکومت مأذون. اقسام دیگر حکومت ها، حکومت غاصبانه و جائرانه است. زیر فاقد مشروعیت است. بر همین اساس هرنوع مشارکت و همکاری در این قسم از حکومت از نظر دین حرام و از مصادیق اعوان ظلمه است. این آیه مشارکت و معاضدت با حکومت جائر را منع می کند. ولا تعاونوا علی الاثم والعدوان(مائده/ ۲) در گناه و ستم کمک نکنید.

اسلام بر اساس این اصل به جامعه اسلامی اجازه نمی دهد که حاکم خود سر و خارج از چار چوب شریعت برمسلمانان حکم رانی نماید. از این جهت این اصل با توجه به ظرفیت و باز دهی فوق العاده ای که در آن نهفته است راه را بر استبداد و ظلم و خشونت حاکم جائر مسدود می سازد و زمینه شکل گیری مردم سالاری دینی را هموار می نماید.

توجه و التزام مسلمین به این اصل باعث می گردد که حکومت و زعامت جامعه اسلامی به انسان متعهد و متخصص و مأذون از طرف شریعت واگذار گردد. حکومتی که مبتنی بر حکمت، عدالت، قسط و میزان باشد، موجب می شود مصالح و منافع مردم تأمین گردد و برکات خداوند از زمین آسمان بر آنها نازل شود.

ولو انهم اقاموا التوراه و الانجیل و ما انزل الیهیم من ربهم لاکلوا من فوقهم و من تحت ارجلهم(مائده/ ۶۶) اگر آنها به دستور تورات و انجیل خودشان و قرآنی که بر تو نازل کردیم قیام می کردند، نعمت از بالا و پایین بر آنها می رسید.

اقامه حکومت دینی در شمار سرمایه اجتماعی است. این سرمایه اجتماعی جز با حضور و حمایت توده های مردم شکل نمی گیرد. تا مردم مسلمان به صورت جمعی قیام نکنند حتی در فرض حضور امام معصوم(ع) امکان تأسیس چنین حکومتی وجود پیدا نخواهد کرد.

بنیاد های مفهومی سرمایه اجتماعی از منظر دانش فقه

اصول و قواعدی در فقه اسلامی است که کاربری آن به شکل گیری سرمایه اجتماعی و گشودگی گره ها و حل مشکلات جامعه دینی می گردد. زیست مؤمنانه و مسلمانانه آدابی دارد که که نیازمند زیر ساخت فکری و معنوی است و بدون توجه به اصول و قواعد، زندگی انسان مسلمان

دچار عسر و حرج می‌گردد و در پاره‌ای موارد ممکن است به اباحه‌گرایی منجر گشته و او را از ادامه زندگی مؤمنانه منصرف ساخته و از دار الایمان خارج نماید. در این باره به برخی از این اصول اشاره می‌گردد.

اصل طهارت و پاکی

در کتب بهای فقهی نخستین کتاب، کتاب الطهاره است. وجه تقدم این کتاب بر سایر کتابها به این جهت است که طهارت و پاکی پیش نیاز زندگی مؤمنانه است. بدون طهارت هیچ عبادتی صحیح نیست. طهارت گاهی در مقابل نجاست است و ممکن است عارض بر بدن، لباس، محیط زندگی، غذا و... گردد. انسان مسلمان مکلف است که از نجاسات اجتناب کند. در مواردی ممکن است تشخیص شیئی نجس به خصوص وقتی مال در اختیار انسان نیست، دشوار باشد. از طرفی جست و جو و پرسیدن از نجاست و پاکی کالاهای ممکن است صورت ناخوشی داشته باشد و صاحب متاع از این پرسش ناراحت گردد. از این جهت شریعت اصل را بر پاکی گذاشته است. کل شیئی لک طاهر حتی تعلم انه بعینه نجس (مکی‌العاملی، ۱۴۰۳، ۸۱) هر چیزی پاک است مگر این که یقین به نجاست آن پیدا کنی.

در مواردی که انسان شک کند که چیز پاک است یا نجس در این صورت اصل بر طهارت است. خانه، لباس، غذا، و... مسلمانان پاک است. هم چنین اگر شک کند گوشتی حلال است یا حرام، ذبح شرعی شده یا خیر، غصبی است یا مباح و... نیاز به پرسش و تفحص نیست. زیرا آن چه در دست، خانه و بازار مسلمانان است بر اساس اصالت طهارت و سوق مسلمین پاک، حلال و مباح است. (شریعت در مواردی که مسلمان نسبت به پاکی بودن چیزی شک کند با اجرای اصالت طهارت بنا را بر پاکی می‌گذارد. در مباح بودن = غصبی نبودن شک کند بنا را بر مباح بودن می‌گذارد. در حلال بودن یا حرام بودن گوشتی شک کند، بنا را بر این می‌گذارد که این گوشت حیوان حلال گوشت است و ذبح شرعی شده است). چنین نگرشی به مسایل مربوط به معیشت به حق یک نوع سرمایه اجتماعی است که زندگی مسلمانی را سهل و راحت می‌کند. البته در این مسایل شریعت دو سویه است از یک طرف به عموم مردم توصیه می‌کند در موارد مشکوک خود را به زحمت نیندازند و تفحص لازم نیست. و هم زمان امر می‌کند که از معاملات (متاع نجس و متنجس، غصبی، حرام و...) اجتناب کنند.

اصل صحت عمل مسلمان (اصاله الصحه)

بدون تردید اعتماد عمومی سرمایه اجتماعی مهمی است که قوام بخش زندگی اجتماعی است. چگونه می‌توان در جامعه‌ای بدون اعتماد عمومی زندگی کرد؟ اعتماد مردم به یک دیگر، دولت و ملت سرمایه اجتماعی بزرگی است که زمینه ساز هر نوع فعالیت و کار و سرمایه گذاری، مدیریت و انرژی مثبت است. در مقابل، بی اعتمادی موجب نگرشی منفی، رکود و مانع فعالیت، نوآوری و خلاقیت است. زیاده روی در تحقیق، تفحص، نظارت و مراقبت شدید ضمن این که موجب بی اعتمادی افراد می‌گردد، نشان خیانت، سرقت، تزویر، تقلب و... را به پیشانی همه نصب می‌سازد و در نتیجه روحیه نفاق، دروغ، ربا و... را که در شمار بدترین آسیب‌های فردی و اجتماعی است در افراد جامعه پرورش داده و ثمره تلخ آن کینه، نفرت، دشمنی، تهمت، شایعه و... است. در چنین جامعه هزینه سلامت معنوی افراد بالا می‌رود و به نظام پلیسی و گسترش محاکم و زندان مراقبت بازرسی و نصب دروین و مراقبت دایمی منجر می‌گردد. در حالی که این امور برخلاف شاخصه‌های زیست مؤمنانه است.

تربیت دینی بر مبنای خدا محوری و براساس این اصل است که در جهان جای امنی که دور از نظارت خدا باشد، برای تخلف و معصیت نیست. و هومعکم اینما کنتم (حدید/۴) او باشماست هر کجا که باشید.

الم یعلم بان الله یری (علق/۱۴). آیا نمی‌داند خدا او را می‌بیند؟

شناخت خدا و باورمندسازی مردم به این نکته بسیار مهم که عالم محضر خداست و خدا در هر زمان و مکانی حاضر و ناظر بر کارهای ماست پس در محضر خدا نباید تخلف و قانون شکنی و ستم نمود، باعث خود بهاری انسان و کرامت و آزادی می‌شود. در جامعه دینی اصل بر مراقبت درونی و تربیت و پرورش است. تقویت حیا و شرم مانع گستاخی می‌گردد. اگر تربیت براساس چنین نگرشی صورت گیرد به تدریج اعمال انسان است او را به رعایت تقوای شخصی و نظم در زندگی اجتماعی سوق می‌دهد.

تربیت دینی با نگرش سخت گیرانه و مراقبت فیزیکی، یقه گیری دایمی و خشونت امکان پذیر نیست. امیر المؤمنین (ع) در نامه (منشور تربیت) به فرزندش می‌فرماید:

فان العاقل یتعظ بالاداب و البهائم (الجاهل) لاتتعظ الا بالضرب (نهج البلاغه، نامه ۳۱) انسان عاقل با آداب تربیت می‌شود و حیوان بازدن. بنا بر این تربیت دینی بر مبنای معرفت، محبت و شفقت و با رعایت اصل تسامح و تساهل دینی تحقق پذیر است. تسامح و تساهل دینی به معنای به خود وانهادگی و رهاسازی فرد و جامعه نیست، بلکه به معنای پرورش و تربیت و تقویت فرد و جامعه به سمت سوی خود بهاری است. که به سمت گناه و قانون شکنی نرود.

امروزه رویکرد غالب در جامعه، مراقبت‌های بیرونی و فیزیکی است. با این حال آمار جرم و جنایت رو به افزایش است. با این که مراکز، سازمانها و نهاد های عهده دار تربیت بسیار است ولی در مقام عمل توفیق چندانی ندارد.

انگاره اصل صحت با اصل برائت عقلی (قیح عقاب بلا بیان) و شرعی (رفع مالا یعلمون) نیز مرتبط است. نگاه هوشمندانه به این اصل مترقی که ریشه در فطرت و جان آدمی دارد) و تربیت جامعه در چارچوب این اصل، سرمایه اجتماعی بزرگی است برای شکل‌گیری حیات طیبه و جامعه سازی قرآنی.

وحدت و اتحاد امت اسلامی

وحدت امت اسلامی در چارچوب قرآن و سنت نبوی از مفاهیم بنیادی سرمایه اجتماعی بشمار می‌آید که تحقق و کاربست آن فوائد مادی و معنوی بی شمار برای امت اسلامی دارد. وحدت امت اسلامی به لحاظ معرفتی در ذیل و ظلّ انواع توحید به عنوان توحید اجتماعی قابل طرح است. تحقق عینی و خارجی امت اسلامی جز در سایه وحدت و انسجام اسلامی امکان پذیر نیست. از این جهت قرآن کریم خواستار وحدت و انسجام اجتماعی امت مسلمان با تمسک به حبل الله است.

و اعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا (آل عمران/ ۱۰۳).

پیامبر اعظم (ص) اساس دعوت خود را بر مبنای کلمه توحید (قولوا لا اله الا الله تفلحوا) و توحید کلمه قرار داد. کلمه توحید، نفی شرک و توحید کلمه نفی تفرقه میان امت مسلمان است.

این عبارت مشهور که از مجموع سخنان پیامبر (ص) اصیطاق شده سخن زیبایی است

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه

یعنی اسلام دورکن اساسی دارد اگر یکی از آنها نباشد اسلام نخواهد بود. رکن نخست توحید است و رکن دوم وحدت و یکپارچگی بین مسلمین

و جامعه اسلامی.

امروزه در جهان اسلام میان مسلمین به جای وحدت و یک پارچگی تنازع و درگیری است. این امر موجب شده تا دشمنان اسلام از این نقطه ضعف مسلمین بیشترین بهره را ببرند. با این اصل تفرقه بینداز غارت کن، تمام منابع مسلمین را به یغما برده و آنها را ملتی وابسته و محتاج خود قرار داده اند. تنها راه نجات بازگشت به وحدت و اتحاد است. در پرتو این سرمایه اجتماعی می‌توانند هم بندگی خدا پسندانه و هم زندگی آبرمندانه = حیات طیبه داشته باشند.

توصیه و پیشنهاد

لازم است، دانشمندان اسلام خوانشی از اسلام ارایه دهند که با حفظ و رعایت جنبه های صدق و حقانیت دین، اهداف دین را منحصر در ارتباط عبادی با خدا و جهان آخرت نکند. علاوه بر مقام عبودیت، بندگی و قصد تقرب به حضرت حق به فوائد و منافع این جهانی دین در زندگی بشر نیز پرداخته شود بگونه ای که دین برای مسلمانان به سرمایه اجتماعی بدل گردد. از برخی روایات استفاده می‌شود که دین نخستین فایده و سرمایه ای است که انسان کسب می‌کند. بدیهی است از انباشت این سرمایه های فردی سرمایه اجتماعی به دست می‌آید. پیامبر (ص) فرمود:

ماستفاد امرؤ مسلم فائده بعد الاسلام مثل اخ یستفیده فی الله (مجلسی، ۱۳۷۹ ج ۷۵ ص ۱۹۵).

انسان مسلمان بعد از به دست آوردن سود اسلام، منفعتی همچون برادری که برای خدا به دست می‌آورد کسب نکرده است. در روایتی دیگری مشابه همین روایت می‌فرماید:

ماستفاد امرؤ مسلم فائده بعد الاسلام افضل من زوجه مسلمه تسره اذا نظر الیها...

(کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۲۷)

از این دو روایت استفاده می‌شود که دین الهی و وحیانی نخستین سود و سرمایه ای است که نصیب انسان می‌گردد. امروزه در مغرب زمین با رویکرد کارکرد گرایانه و عمل گرایانه دین را محصور و منحصر در کلیسا نمی‌دانند در بسیاری از موارد از ظرفیت های دین در حل مشکلات اجتماعی کمک می‌گیرند.

بیش از نیم قرن است که در جهان غرب برای درمان بیماران به آموزه های دینی روی آورده اند. بحث سلامت معنوی در وزارت بهداشت و درمان به صورت جدی مطرح شده است و بیشترین کمک را کشیشان و قدیسان به بیماران می‌نمایند. این همان سرمایه اجتماعی است که منابع آن ریشه در جان مردم دارد و این سرمایه به وفور یافت می‌شود و از جمله منابعی است که پایان ناپذیر است. کافی است این سرمایه اجتماعی به درستی شناسای شده و مدیریت گردد.

در دهه های اخیر برخی دولت ها و هوادارن صلح جهانی برای آرامش جهان و پیشگیری از جنگ از سران ادیان و شخصیت های دینی تأثیر گذاردر خواست کمک نمودند.

نویسنده کتاب جنگ جهانی چهارم می‌نویسد، برای خاتمه دادن به اشغال اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان از ظرفیت دینی استفاده کردیم و در میان افسران و سربازان اشغالگر روسی انجیل و تورات پخش نمودیم تا اینها به گذشته خود برگردند و دست از جنگ افروزی بکشند. چون

دولت کمونیست مردم را از این سرمایه اجتماعی محروم کرده بود، با بازگشت این سرمایه و توجه به آموزه های دینی مانند محبت و مهر ورزی به مردم به جای آتش افروزی و جنگ و خونریزی زمینه تزلزل در ارتش سرخ فراهم گردید. (دمارانش: ۱۳۸۰، ۱۳).

گرچه در گذشته برخی به خیال خام خود بر این باور بودند که سلاح های کشتار جمعی باز دارنده جنگ است اما این کار در عمل بی نتیجه ماند و به جنگ افروزی بیشتری منجر شد.

در جهان اسلام نیز لازم است نگاه کارکردی به آموزه های دینی شود. دینی که به درد زندگی دنیای بشر نخورد و برای حل مشلات بشر برنامه و راهکار نداشته باشد به درد عقبایش نیز نخواهد خورد و چنین دینی تخریب کننده است و خارج از مسجد، معبد، کنیسه، صومعه و کلیسا حاصلی ببار نخواهد داشت. البته معنای این سخن نگرش تحویل گرایی فروکاستی به دین نیست بلکه مقصود این است که دین وارد زندگی بشر گردد. در اسلام دین داری در مسیر زندگی و با چگونه زیستن شکل گرفته و پیش می رود.

نتیجه و سخن پایانی

سرمایه اجتماعی به لحاظ برخی مصادیق عینی اش عرفی است و ریشه در سیره عقلاء یک ملت و قوم دارد. در سنت دینی مسلمانان بسیاری از موضوعات و مصادیق عرفی سرمایه اجتماعی، صبغه دینی پیدا کرده است از این جهت سرمایه اجتماعی با صبغه دینی در مراحل کارآمدی و کاربرستی اش در جامعه اسلامی شتاب و سرعت مضاعف می یابد. زیرا انگیزه مسلمانان در بکار گیری سرمایه اجتماعی علاوه بر منافع عینی و سودآوری آن شکل عبادی بخود گرفته و از مصادیق واجبات توصلی به شمار می آید. کاربرست واجبات توصلی در زندگی فردی و اجتماعی با انگیزه قصد قربت و با حفظ صورت عرفی اش در شمار افعال عبادی و بندگی است. احیاء کردن سرمایه اجتماعی با این رویکرد در جامعه اسلامی به تدریج می تواند تبدیل به " سنت دینی " شده و در شمار خیرات و صدقات در آید. پیامد و نتیجه سرمایه اجتماعی در این نگرش ترجمه ای از حدیث مشهور الدنیا مزرعه الاخره خواهد شد زیرا در این صورت ضمن برخورداری از منافع و مواهب دنیوی سرمایه اجتماعی از ثبوت و پاداش آخرتی آن نیز می توان بهره مند گردید.

در دانش فقه در ذیل موضوع " اخذ اجرت در برابر واجبات " تصریح شده که می توان در برابر انجام برخی واجبات تعبدی اجرت گرفت با این که عبادت است. گرچه در امور عبادی قاعده کلی این است که اجرت گرفتن در برابر کار های واجب (واجبات) حرام است. همانگونه که برخی از افعال عرفی را با انگیزه قصد قربت می توان در شمار افعال عبادی قرار داد. این کار نوعی تبدیل موضوع و حکم است که مورد رضایت شارع است. مرحوم شیخ انصاری در این باره تعبیر مطالبیه گونه دارد: الفلوس و الخلوص یجتمعان (انصاری، ۱۳۶۲، ۲۴). یعنی عرفی بودن یک کار با عبادی شدنش ناسازگار نیست همانگونه عبادی بودنش با مزد گرفتن منافعی ندارد.

بدیهی است سرمایه اجتماعی با این خوانش، ظرفیت بسیار ارزنده و با اهمیت برای جامعه اسلامی است که با مدیریت صحیح آن می توان علاوه بر حل و فصل مشکلات جامعه دینی، منشأ نشاط و فعالیت و شادابی گردد.

فهرست منابع

قرآن

- نهج البلاغه با ترجمه محمد دشتی
 اعتصامی، پروین، دیوان پروین اعتصامی، ۱۳۷۷، تهران، ساغر- مهتاب.
 انصاری، شیخ مرتضی، المکاسب، ۱۳۶۲، قم، اسماعیلیان.
 دشتی، محمد، ۱۳۷۵، نهج الحیاه- فرهنگ سخنان حضرت فاطمه(ع)، قم، نشر مشرقین.
 دمارانش، کنت، ۱۳۸۰، جنگ جهانی جهانی چهارم، ترجمه سهیلا کیانتاز، تهران، انتشارات اطلاعات.
 سبحانی، آیه الله جعفر، ۱۳۶۴، فروغ ابدیت، قم، نشر اسلامی.
 صدوق، محمد بن علی، ۱۳۶۳، من لایحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه .
 کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵، الکافی، تهران، اسلامی.
 مدنی، سید جلال الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
 مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ۱۳۷۹، تهران، ناشر اسلامی.
 محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ۱۴۰۵، ق، بیروت، الدار الاسلامیه.
 مکی العاملی، محمد بن جمال الدین، اللمعه دمشقیه، ۱۴۰۳، بیروت، دار احیاء تراث العربی.